

**شیراز در روز پنجشنبه ۱۹ رجب (۱)**  
**دارالشواری ملی**  
**آقای سید محمد تقی** - لایحه از طرف انجمن استانی رسیده که خلاصه مطالب مجلس بدو ما از این معلوم می شود ( لایحه را قرائت کردند )  
 ۱۸ رجب ۱۳۲۰ از طرف عموم انجمن های نارالایله .

بجور افاضت ظهور و کلام معتبر مجلس مقدس شورای ملی شیداه ارکانها مرض نظام و اختطاری میبایست سائیان دراز بر ما ملت بدیعت گذشت که ذلت و پریشانی فقر و مسکنت جهالت و بی علمی صدی ایامی امتیث خرابی و ویرانی مملکت وسایر نواقص امور راجعه بدولت و ملت هر روز برای آتی ما تدارک می شد و بدیعتان جهه و ملت آن را نپدیدانستیم و همه در خواب غفلت می زیستیم تا یک سال قبل که یک ندای قبیی بگوش هوش قفا خواند ای ملت بیچاره غفلت تا کی بیهوشی تا چند چمنی باز نمایم و گوش فرا دارید که نفس آخرین در رسیده و نزدیک است تا رویود ملت و مملکت الا هم گسیخته شود و آبروی یک دولت شهر از اساله در نزد اجانب ریخته گردد مانیز بحمدالله ازیر که آن ندا بحدود آمده برای روز سیاه و روزگار تپاه خود تفکری کردیم که بفهمیم این بدبختی را چه باعث و این بیچارگی را که امین موجب است هر چه تصور کردیم ملت و سببی نیافتیم جز اینکه دیدیم مملکت ما قانون اساسی ندارد دستگاه دیوان ما منظم نیست حدود و عقوق دولت و ملت لاهل و جاهل نامحدود است احکام دیوانسما نسبت یکدیگر مظالم و مظلومی و نیز بغوی فهمیدیم که اگر اسیر سر پنجه ظلم و استبدادیم و اگر دچار جهالت و بی علمی هستیم اگر در نظر اجانب وحشی میبایستیم اگر فساد اخلاق داریم اگر از حیث ترقی و تمدن از تمام ملل عالم عقب افتاده ایم اگر خماله العطب اجانب گشته ایم و بالاخره اگر از تمام نعمتهائی که دیگران واجد شده اند ما محرومیم نیست مگر بواسطه ناشستن قانون معلوم نبودن حدود و حقوق عهد ما نظام دستگاه دیوان لذا با کمال عجز و تضرع مستهملک بدیل عنایت حیج اسلام ادام الله ظلالم گردیده و چون درخواست همه این نواقص در کلمه مشروطیت مندرج بود از دولت استعدای مشروطیت نمودیم و بحمد الله بر منتهای مطلب خود کامران شدید اعلان مشروطیت دولت علیه ایران بنام دولتمنده شد و در عداد دول گمنی توسیونی بشمار آمد ملت ایران بسایسین نعمت متنعم و بسایسین موهبت نباهی گردیدند ولی نمیدانیم چه علت دارد چندی میگذرد نظامنامه اساسی مانوشته شده و بعض تطابق و توافق با قانون مقدس اسلام هم از نظر فیض اثر حجج اسلامیه مانیز گذشته فقط برای جزئی اختلافی که در یکی دو فصل آن بظهور رسیده مجلس مقدس از اصل نظامنامه که اساس مشروطیت منوط بشروط و اجراء آن است صرف نظر فرموده اینهمه اعتراضات و هجیان عامه و هرج و مرج مملکت را طرف اهمیت قرار نمی دهند و قانون اساسی که اهم مقاصد مجلس است مسکوت عنه گذارده اند اینک عموم ملت از هیئت و کلام محترم مجدانه استدعا دارند که زیاده از این بدبختی این ملت و مملکت را راضی نشوند تصحیح و رفع این جزئی اختلاف را موکول برای و فتوای حجج اسلامیه ادام الله ظلالم گذارند تمه

(۱) در روزنامه مجلس مذاکرات جلسه ۱۷ و چند تاغین درج شده است .

نظامنامه را که در مطابقت با تواترین شرع مطاع مسلم گردیده محل اختلافی نیست از تاریخ امروز لغایت سالخ این ماه تمام کرده بملت منت گذارده مرحمت نمایند و اگر باز بسامعه گذشته اقدامات لازمه ملت را حاصل بر سوء صدی نمایند که بر راستی از جان و مال خواهند گذشت و از این مقصد باز نخواستند گفت اطلاعات تجارت کرده زیاده تصدیق نمیدهد.

**آقای سید محمد تقی** - تمام ضرورتها را بناتها است چه طهران و چه خارج باید رفع خسارت آنها بطوری بشود.

**احسن الدوله** - کار بمذاکرات گذشته نداریم صحبت از امروز است در مجلس بالا هم صحبت خیلی شد ولی از اول خجل تا کتون هر چه مذاکره شده بی نتیجه مانده و عادت کرده ایم که تمام مطالب را بی نتیجه بگذاریم تمام خسارتیکه بملت وارد میشود از سستی و مسامحه مجلس است نتیجه که نیکو پرید ما باید در هر امری ایستادگی کنیم برای نتیجه بگیریم و اظهار کنیم اگر قبول نشد آنوقت معلوم میشود که همراه هستند یا نیستند ؟

**حاج علی آقا** - آیا مجلس تا حالا رای هائیکه داده چه شد ؟

**احسن الدوله** - مجلس هر چه رای داده مجری شده است بر گشت بیول، تعمیر جشن منزل نایب السلطنه و ظل السلطان وغیره منتهی شاکوت نامی میکند آنها هم اقدام نمیکند .

**آقای سید محمد جعفر** - یکی مسئله اسراء فوجان و سالار مخم است که تا کتون چقدر مذاکره شده است و هیچ نتیجه گرفته نشده .

**آقای میرزا فضلعلی آقا** - بنده عرضی دارم بعضی بوکلا میگویند باید چنین بکنند و چنین بگویند آیا میخوانم بی رسم ما وکیل و اسیر این صدفن هستیم که هر وقت هر حرفی بزند باید جواب بگویم اصناف هم موکل ما هستند پس ایلات و سوسر و خلق ایران هم همه حق دارند هر وقت حرفی زنده باید رای آنها را هم به بینیم که همه متعهد هستند یا اینکه باید بر حرف این چند نفر گوش داد .

**آقای سید محمد جعفر** - تصحیح امر ما این است که هر مطلبی را شروع میکنیم باید نتیجه گرفته رجوع بوزیر مسئول آن نمایم اگر اصلاح در مدتی از زمان شد خیلی خوب و اگر موانع اظهار کردند باید رفع نمود والا اگر اصلاح نشد باید بملت اطلاع داد .

**آقای مهدی باقر** - وظیفه وکیل این است که از گشته شدن و مردن خوف نداشته باشد تا اینطور نباشد نمیشود بالادستی در اینجا نطق کنند مردم این مملکت چهار قسم شده اند یک فرقه میگویند شاه همراه نیست یک فرقه میگویند و کلا کار نمیکند یک فرقه میگویند بواسطه این علمائیکه در حضرت عبدالعظیم متحصن هستند کار پیشرفت نمیکند اسارای خود را عرض میکنم قسم بخدا میخورم شاه همراه است اما در خصوص آقایان حضرت عبدالعظیم آنها آقایان ما هستند از آنها هم کمال اطاعت را داریم ولی هشت نفر هستند که محل کارند امیرها در نایب السلطنه سعدالدوله و اقبال الدوله و چهار نفر دیگر ولی وزیر مخصوص همراه است این چند نفر نمیکند کار پیشرفت کنند و حال شاه را منتقل میسازند باید بملت گفت و اینجا نشست و خواست تا آنها تمید شوند .

**حاج سید عبدالصغیر شهبانی** - ملت ما مردم را بجهه و کالت فرستادند که تقویم کار آنها را بکنیم اگر ما ملاحظه اشخاص را بکنیم خیانت است و آنچه نشدنی است عقلا نباید بگویند اینکه میگویند اعلیحضرت شاه همراه نیست انو است و اینکه بگویند دیگران که سناطه هستند نمی گذارند معلوم است استبداد در بنیان تمام ماها جا گرفته است اگر بگوئیم درست شدیم غلط است پس فراد شد که برای مصلحت در اینجا حرف بزنیم باید بگوئیم نمی شناسیم این اشخاص را وهم می شناسیم ما باید بموجب مشروطه باوزرا طرف باشیم آنها خوب هستند باید نپنداریم تمام این مفاسد بواسطه عدم اجرای مجازات است عهد ما فاسد از مرتب شدن قوانین و خرابی اداره عسکریه است اینها را باید خواست جواب اینها را باید بگویند اگر بگویند قدرت نداریم سبب عدم قدرت را باید بظاهر کنند اگر ما بگوئیم علت فلان شخص است و باید بیرون کرد این مطلب تکلیف ما نیست تمام قوای مجریه در دست آنها است ما باید هر چه را بخواهیم از آنها بخواهیم اگر میتوانند بکنند والا استعفا بدهند .

**آقای میرزا فضلعلی آقا** - کسی که وکالت سی کرور خلیق را در عهد گرفته باید هر چه مصلحت است بگویند تمام کارها را نباید بگردن وزرا انداخت در صورتیکه نمیتوانند آنها اظهار نمایند و محظور دارند پس ما باید آنچه صلاح است بگوئیم .

**حاجی سید مهر قاضی** - بنده عرض میکنم باین حرفها خود را معطل نکنید و بی خود متعرض کسی نشوید یکی چهار نوکر اگر داشته باشد و بآنها مواجب بدهد از حرف آنها بیرون نمرود شما مشروطه ندارید مشروطه را گرفته بدست وزیر مسئول بدهید آنوقت هر امری را جدا باید از وزیر مسئول بخواهید .

**آقای فتح حسین** - عقیده بنده این است که مشروطه را گرفته و داریم مادامیکه یک ایرانی باقی است مشروطه ما باقی است بعضی آقایان بگویند ما باید مثل خاربه رفتار کنیم تمام طرف ما با بدعتت نفر وزیر باشد آنقدر هیئت عوض شوند تا درست شود ولی من میگویم اشخاصی که اطراف شاه هستند نمیکند ازند مثل اینکه طبیب بر سر مرضی آمده میگویند فلان دوا را باید بخوری بعضی فتواها نمیکند ازند باید این اشخاص را تبعید کرد .

**دکتر ولی الله خان** - باید بفهمیم که معنی مشروطیت چیست بعضی طوری عنوان کردند و بعضی طوری دیگر بنده عرض میکنم بگفت این است که شخص قهرمانیت و حاکمیت پیدا می کند بطوریکه هم حکم میکند وهم مجری میسازد ولی ملکیت نیست که این حکم را همه نمی توانند متحمل شوند این راسلانت استقلالی و مستبد می گویند مثلا ماقبله آورده ایم و زیاده ازقوه او کار خواست ایم این کار نخواهد شد این چیز صرف است . یک صورت هم هست که عموم ملت جمع شده قانونی وضع میکنند و خودش هم مجری میسازد این تفویض صرفه است . یک صورت دیگری هست که نه جبر است و نه تفویض و او این ترتیب مشروطیت است . ملت میگویند که ما حاضریم که جان خود را فدا کنیم ولی شامعدودی هستیم که باید برای ما کار بکنند پس اصل ملت است و آنها فرو رفتنی این طور شد ملت عهد و کلاتی منتخب میسازد و می فرستد و بگویند که آنها مسیورین بعضی

ماستند موافق حال ملت قانون وضع میکنند ماسم آنوقت قبول میکنند و ممت نفر و کلا مین می نماید که و کلاباها سرور کار داشته باشند و از آنها کار بغواهند حال دارالشوری ازوزراء باید کار بغواهد اگر نخواهد از تکالیف خود تجاوز کرده است چند شقبل عرض کردم که هر چه خواستیم بکنیم مجلس باین ترتیب و وضع در یکجا ملاحظه کنیم بیدانکردم مافضاوت می کنیم اجرا می خواهیم بکنیم همه کاری می کنیم جز آنچه تکلیف ماست .

**آقا سید عبدالله مجتهد** - گمان کردید که امروز مجلس ما کامل الباری و جامع شرایط شده است مثل مجلسی که دیگران در عرض پانصد شش صد سال تحصیل کرده اند بضررت حجة قسم استمن کرامت حضرت - چیزی در این مجلس دیدم ما این مجلس را که امروز داریم باید در پنجال دیگر داشته باشیم مجلس ما بعد از آنکه در کمال تفیخ و خوبی است تمام مردم شایسته دانوا عاقل اینها که می آیند اینجام عاشق این مجلس هستند والا همه کاسب همه تاجر و درای کار هستند شاد و قیکه و کیر شید باید از هیچ چیز واهمه نداشته باشد

البته در چنین امر بزرگی دچار همه قسم اشکالات خواهید شد ولی باید در کمال اطمینان باین مجلس شائق باشید این مجلس کار های بزرگ کرده و میکند این مردم این حرفهائی را که میزنند درس بق کی میتوانستند باید باشند اشخاصی که این مجلس را بر پا کردند هنوز نمرده اند از قوتشان هم کاشته نشده منتهی بعضی از اشخاص که لباس اهل علم بودند مخالفت کردند و ابدآ نتیجه هم نبخشید بآنها هم مدارا میکنیم و نکته در این است چون آنها هم از اهل علم هستند حتی الامکان نمی خواهیم بآنها توهین شود چیزی که هست بعضی لباس مشروطه طلبان در این انجمن ها بعضی تعریفات کردند و میکنند که آنها را بیستام و اسم آن اشخص محرک را نبیرم تا موقمش ولی نباید از آنها هم واهمه داشت مشغول کار خود باشید بلی تقصیر این جا شد که وقتی چون آن شخص بواسطه ما فنا شده بود وقتیکه عضد الملک خواست مارا از قم بیآورد از او سئد گرفتیم که آن شخص رادو ماهه بیآورد تا اینکه اورا آوردیم خواست در این مجلس ریاست پیدا کند نشد این شده که از مجلس محروم گشت مبرود حضور شه بعضی حرف عا میزند که اگر میخواهی سلطنت شما باقو بماند باید این مجلس بهم بغورد حالا امش را نبیرم شاید باید توبه کند و الا آنوقت اصغر را نبیرم که مسلمانان بریزند در ب خانه او و رانکه تنگ نتد شما اطرا جمع باشید و الهه الغالب اندرک الملک که

که این مجلس برهم خوردنی نیست شما هم مثل سد سکندر محکم باشید کسی که این مجلس را بر پا کرده حفاظت او را هم خواهد کرد بگویند بآن شخص این اسباب زنانه که فراهم کرده اگر دست بر نداشتی خودم مجازاتت میکنم شما خیلی با قوت فاب و سنگینی در این مجلس مشغول کارتان باشید این مجلس را امام صبر بر پا کرده است باین چیزها بهم نبغورد .

**حاجی معین التجار** - این فقره سه فرمودند که واهمه نمایاند از باب تأکید بوده و الا وقتی که ما داخل در این مجلس شدیم واهمه را کلاز گذاشتیم الا اینکه بعضی اشخاصی که لباس مشروطیت هستند می ترسم ملت را از ما بر نجانند .

**آقا سید عبدالله مجتهد** - این مرد

مدتی گشت تقصیرات ما ریاست کند شده در مجلس عرض کرد اینکه پول داده میشود بجامای دیگر که مجلس را خراب کنید نیشود باید بتوسط من که لباس مشروطه دارم خرابشود مجلسی پول گرفته و بانجمنها آدم فرستاده که فساد نمایند از امشب خواش میکنم از این برادران اگر مامم حق داریم دیگر از این باب حرفی نزنند .

**حاج محمد تقی** - کاریش نمیرود رای مجلس مجری نیشود حالا در واهست که خالصجات را گفتند با اقبال الدوله نباشد دوتفر که قریب یک کرو و امانه میبندند سلطنت میگوید مال شخص خود من است بهر کسی میخواهم میبدم .

**آقا سید عبدالله مجتهد** شما صورت آن را بدهید من اجری میکنم .  
**آقا میرزا محمود اصفهانی** -- دورای داده شده است یکی اینکه از اقبال الدوله گرفته شود یکی اینکه بدو نفر دیگر داده شود .

**آقا سید حسن قلی زاده** - این مطلب دراج بهمان مطلب سابق است کاریکه دولست میشود برخلاف قانون است باید بکفایه داد و اما از قلوب نمیتوانم شکایت کنیم بلکه از دستی که آن کار از او صادر میشود شکایت میکنیم وقتی که سلطنت مشروطه شد یک عهد نامه نوشت میشود شاه بملت میدهد چند نفر را هم معین میفرماید و طرف مجلس قرار میدهد این خلاف قانونی که میشود از دوشن خارج نیست یا خود وزیر مشغول کسرد است بعکم قانون مشغول است اگر خیر از وزیر مشغول از مقربان سلطنت صادر شود باید از وزیر مشغول بغواهم که مجازات بدهد فقط بجا ما حق شکایت داریم که اگر شخصی اهل بضررت بق قانونی را بهم بزند و لابد این دستخط بعهده وزیر مشغول صادر میشود آنوقت هم باید آن وزیر مشغول ملتفت شود که این حکم خلاف قانون است یازد کند یا اخطار نماید فرضاً آمد روزی که بوزیر مشغول رجوع نکرد آنوقت روزی است که ملت باید شکایت کند .

**آقا میرزا سید محمد مجتهد** این مجلس اگر بهم بغورد هلش خود این مجلس است والا کسی دیگر نمیتواند بهم بزند .

**آقا سید عبدالله مجتهد** روزنامه نویسا در دست غیر بیرند و کلمات مارا درست حفظ میکنند اگر مطلب برفوق نظام نشد در مجلس دیگر کلام را بسط خواهیم داد (مجلس ختم شد)

**مذاکرات روز شنبه ۲۱ رجب دارالشوری ملی**

خلاصه مذاکرات روز پنجشنبه ۹ را آقا میرزا مرتضی قلیخان قرائت کردند و مدتی که از کلام عظام در هفته گذشته در مجلس رسمی حاضر نشده بودند از قرار ذیل بود .

- مجلس روز شنبه ۲۴ فر
- مجلس روز یکشنبه ۲۵
- مجلس روز سه شنبه ۲۷

جمعی گفتند خوب است هر یک از کلاه که حاضر نیشوند باسم معین شود .

**آقا سید محمد تقی** - من با آقای محقق الدوله گفتم که اسامی را معین فرمایند بطور مرسوم نوشتن فایده ندارد .

**آقا سید حسین** - بلی باینطور فایده ندارد باسم معین شده در روزنامه درج شود .

**آقا سید محمد تقی** - امروز گذشت ولی جمعا باید فایده این کلاه عظام باسم معین شده و در روزنامه مینا درج شود .

**احسن الدوله** - جناب رئیس لایحه ایست که جمعی هم از کلاه امضاء نموده اند باید قرائت شود .

**آقا میرزا محسن** - فرچند روز قبل قرار شد که قبل از قرائت نظام نامه شروع به بیچ بندا کر شد و لایحه خوانده نشود .

(دو اینوقوع شروع بقرائت نظام نامه وزارت داخله شد - و درین قرائت نظام نامه بیست وزراء ورود بمجلس فرمودند و آقای آقا سید عبدالله مجتهد و آقای آقا سید محمد مجتهد حضور داشتند پس از قرائت و تصحیح چند ماده از نظامنامه وزارت داخله شروع بندا کرات گردید ) .

**وزیر داخله** - چون در کابینه وزراء در این ایام تغییر و تبدیلی داده شده بود اوله لهذا امروز اولای برای معرفی حاضر در مجلس شده اند .

(جناب مستوفی المالک) وزیر چک مشغول و (جناب علامه الملک) وزیر عدلیه منتخب شده اند و تانیا در باب کلیه امورات با هیئت وزراء شرفیاب خاکبای همایونی شدیم و آنچه لازم بود در اصلاح کلیه کارها عرض شد و بعضی احکامات مطاعه لازمه صادر گردید برای این حاضر در مجلس شدیم که خاطر آقایان و کلا را از مسراتب مستحضر داریم و دستخطی هم صادر شد تا کید و اجرای قوانین مشروطیت و انمام قانون اساسی و سایر قوانین که انشاء الله آقایان و کلا اقدامات مجدانه نمایند و تا کید میکنیم که قانون اساسی را زودتر تمام کنند .

(اظهار امتنان شده و تبریک گفته شد)  
**آقا سید حسین** - تبریک و امتنان بمذاظر ظهور کار و خدمت است .

**آقا سید محمد جعفر** - پس از ظهور خدمت و نتیجه باید تبریک گفته و اظهار امتنان نمایم .  
**حاج امین الضرب** - اما اینکه حضرت اشرف فرمودند باید و کلا جدا مشغول کار شوند و کلا وقتی میتوانند مشغول کار باشند که حواسشان جمع باشد و در اطراف مملکت و سرحدات صدائی بلند نشود و انقلابی نباشد .

**وزیر داخله** - امید داریم که انشاء الله همینطور بشود و قلا هم انقلاب کلی جانی نیست که موجب اختلال حواس شود .

**حاج امین الضرب** - چرا الان در طهران همه روز انقلابات و اغتشاشات است باید طوری امنیت باشد که کلا بتوانند با اطمینان خاطر و حواس جمع مشغول کار شوند .

**آقا میرزا حسین شهیدی** - چرا منشا انقلابات را صریحاً نمیکوئید .

**حاج امین الضرب** آنها را خودشان میدانند محتاج باظهار ما نیست .

**محقق الدوله** هر گاه معر کین را پیدا کرده معلوم نمودیم باید بفلح وضع آنها را از پیشگاه همایونی خواست تا بشکرتان این همه عطفوت با حواس جمع جدا مشغول کار باشیم این عرض اول بنده عرض دوم من این است که نوبه مایه شود برای ارباب